

کهن‌الگوی اشخاص در سعادت‌نامهٔ استرآبادی بر اساس نظریهٔ یونگ

واژگان کلیدی

* کهن‌الگو

* نقد کهن‌الگویی

* انگاره‌های اشخاص
* خودآگاه و
ناخودآگاه

زینب نوروزعلی* zeynab.noroozali65@yahoo.com

دکترای زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

از نمونه‌های صورمثالی یونگی می‌توان به انگاره‌های کهن‌الگویی اشاره کرد که خود شامل اشخاص، موقعیت‌ها و نمادها هستند. در سعادت‌نامهٔ نظام‌الدین استرآبادی از انگارهٔ اشخاص استفاده شده اما تحقیقات کافی در مورد آن صورت نگرفته و بسیاری از زوایای ارزشمند آن پنهان مانده است. لذا با استخراج انگارهٔ اشخاص کهن‌الگویی در این اثر می‌توان کمک شایانی به تفسیر ابیات آن نمود. به نظر می‌رسد نظام‌الدین استرآبادی شناخت عمیق و دقیقی از انگاره‌های کهن‌الگویی داشته و با وجود ناشناخته بودن علم کهن‌الگویی در زمان شاعر آنها را با استفاده از عنصر خیال در فحوای کلام خود به‌طور ویژه‌ای به کار برده است. همچنین انگارهٔ فرشته بالاترین بسامد را دارد و نیز انگارهٔ جوینده فقط مختص شاعر است که جستجو کرده و در نهایت به عرفان رسیده است. نتیجهٔ مطرح شده به روش کتابخانه‌ای به شیوهٔ تحلیلی توصیفی در نتیجه بیان شده است.

مقدمه

بررسی مفاهیم کهن‌الگویی، بسیاری از دلالت‌های معنایی را در شعر شعرا روشن و به مخاطب کمک می‌کند تا با تأویل و تفسیر، مفاهیم موجود در آثار آنها را دریابد از این رو با نشان دادن پیشینهٔ اساطیری هریک از شخصیت‌های اسطوره‌ای می‌توان بهره‌گیری شاعر از ساختار داستانی یا اجتماعی آن اسطوره را نیز روشن نمود و با زاویهٔ دید گسترده‌تری منظور و مقصود شاعر را دریافت. با وجود اهمیت زیاد کهن‌الگوها در تفسیر مفاهیم، پژوهشیدر سعادت‌نامهٔ نظام‌الدین استرآبادی صورت نگرفته؛ از این رو ما در این مقاله به بررسی انگاره‌های اشخاص در آن پرداخته و یافته‌های جدیدی ارائه می‌دهیم.

در مورد انگاره‌های اشخاص در سعادت‌نامهٔ استرآبادی هیچ پژوهشی صورت نگرفته اما بررسی‌های کهن‌الگویی در بخش‌های متفاوت آن توسط نگارنده انجام شده است. نوروزعلی زینب و همکاران (۱۴۰۳). «تطبیق کهن‌الگوهای صورمثالی در سعادت‌نامهٔ استرآبادی و ساقی‌نامهٔ ترشیزی» فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی دهخدا، دورهٔ ۵۸. نوروزعلی در این مقاله به بررسی و تطبیق آنیما، آنیموس، خود، سایه و نقاب در دو اثر فوق پرداخته است. نوروزعلی زینب و همکاران (۱۳۹۹). «حضور عناصر چهارگانه و زبان نمادین در سعادت‌نامهٔ استرآبادی و ساقی‌نامهٔ ترشیزی»، فصل‌نامهٔ علمی تخصصی شفای دل، دورهٔ ۶. این مقاله حضور عناصر اصلی طبیعت در این دو اثر را مورد تطبیق قرار داده است. نوروزعلی زینب و همکاران (۱۴۰۰). «نمادشناسی حیوانات در سعادت‌نامهٔ نظام‌الدین استرآبادی و ساقی‌نامهٔ ظهوری ترشیزی»، فصل‌نامهٔ علمی تخصصی شفای دل، دورهٔ ۷. در این مقاله نمادهای حیوانی و اساطیری در دو اثر مورد بحث، بررسی و تطبیق داده شده است. نوروزعلی زینب و علیرضا آذرپیک (۱۴۰۰) «بازنمود انگاره‌های اشخاص کهن‌الگویی در منظومهٔ ساقی‌نامهٔ ظهوری ترشیزی»، فصل‌نامهٔ رخسار زیان (نقدزبان‌یادبی) سال پنجم، شمارهٔ شانزدهم. در این مقاله به بررسی اشخاص کهن‌الگویی در منظومهٔ ساقی‌نامهٔ ترشیزی پرداخته شده است. با توجه به فراوانی انگاره‌های کهن‌الگویی در سعادت‌نامه، نقد و بررسی مولفهٔ اشخاص هم می‌تواند در جهت تکمیل و معرفی بهتر این آثار نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

بحث و یافته‌های تحقیق

مفاهیم و اصطلاحات

برای دستیابی به درک صحیح از هر پدیده و فرایندی، ضروری است ابتدا تعاریف بنیادین آن تبیین و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته به دنبال آن واژگان تخصصی و روابط میان آنان شناسایی گردد.

کهن‌الگو: «صورت نوعی و کلی دریافتند که در هیات تصاویر ازلی، انباشته از معنا و قدرت بسیار پدیدار می‌شوند.» (مورنو، ۱۳۸۶: ۷). «منشأ این صور دیرینه و اسطوره نهاد، ناخودآگاه جمعی ما و فعالیت آنان در قلمرو غریز است و راز اشکال موروثی رفتارهای روانی ما در آنجاست.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵).

نقد کهن‌الگویی: از منظر یونگ روان در هنگام تولد، لوحی سپید و نانوخته نیست. در تحلیل روان می‌توان عناصر نمادین اسطوره‌ای را یافت. نمادهایی که در ناخودآگاه فرد حضور دارند و گویی به او به ارث رسیده‌اند. در واقع اگر در نقد روان‌شناسانه سخن از ناخودآگاه نویسنده و شخصیت‌هایش به میان آورده می‌شود، در نقد کهن‌الگویی، موضوع مهم ناخودآگاه کل نژاد بشر است.

خودآگاه و ناخودآگاه: خودآگاه بخشی از ذهن است که از افکار و اعمال خود، باخبر و بی‌واسطه‌ترین و قطعی‌ترین نوع ادراک است و تمام جریانات تفکر آگاهانه در این بخش صورت می‌گیرد. ناخودآگاه نیز بخشی از ذهن است که خارج از محدوده خودآگاهی است. «هم تکامل و هم توارث درست همان‌گونه که سازنده جسم بشر هستند، ساختار اصلی روان او را نیز می‌سازند.» (هال، ۱۳۷۶؛ ۴۶). «اشتباه بزرگی است که فرض شود روان یک کودک تازه متولد شده، لوح سفیدی است که هیچ چیزی روی آن وجود ندارد.» (یونگ، ۱۹۳۸: ۶۶)

انگاره‌های کهن‌الگویی: کهن‌الگوها را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: «اشخاص - موقعیت‌ها - نمادها.» (سخنور، ۱۳۷۹: ۳۱). یونگ در طبقه‌بندی انگاره‌های کهن‌الگویی، از چند

کلان کهن‌الگوی پربسامد نام می‌برد که بعضی حاوی تصاویر نمادین، شخصیت‌های کهن‌الگویی و برخی شامل وضعیت‌های کهن‌الگویی‌اند.

اشخاص کهن‌الگویی: «اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایش‌نامه و... ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان، شیء و چیز دیگری را نیز شامل می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، «فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند؛ وجود داشته باشد.» (همان: ۱۷۶).

اشخاص کهن‌الگویی در سعادت‌نامه

قهرمان

«انسانی که صرف‌نظر از تولد معمولاً غیرطبیعی و راز آمیزش، زندگی روزمره و دنیای عادی خود را رها کرده و سفری صعب را برای خود رقم می‌زند تا پس از غلبه بر دشواری‌های گوناگون، چیزی خاص را به دست آورده و هم‌قطاران خود را خیری رساند.» (شایگان فر، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۷).

تولد یابد آن پاکیزه گوهر که آید زو پسر گردد پیمبر

رسد رایات آیاتش به هر جا شود منسوخ از او دین مسیحا

چو عبدالله زاد از مادر آن روز به لوح کینه شد آن خون بدآموز

به خیل انجم افتاد اضطرابی کزین مشرق برآید آفتابی

(همان: ۶۷۳)

تولد قهرمان‌گونهٔ پیغمبر و اینکه به‌صورت باشکوه با جوهره‌ای پاک وارد جهان شده و به محض تولد ایشان در هستی اتفاقات شگفت‌انگیزی رخ داده، شاعر را بر آن داشته تا تولد او را تولد قهرمان‌گونه بداند.

پیر

این کهن‌الگو در روایاها، افسانه‌ها و داستان‌های مختلف از جمله داستان‌های اساطیری و حماسی، فراوان دیده می‌شود. «پیر دانا فرامود پاره‌ای صفات اخلاقی است؛ نظیر ثبت خیر و آمادگی برای یاری و یاورى.» (گرین، ۱۳۸۵: ۷۳). «پیر دانا راه‌های رسیدن به مقصود را می‌داند و به قهرمان نشان می‌دهد.» (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

نبی‌المرسلین گفت ای صحابه فکندن به ز دست این پای تابه

ز خار دشت پای مرد ریش است صلابت مرد را در جای خویش است...

(همان: ۹۷۱)

ظهور کهن‌الگوی پیر در شخصیت پیامبر(ص) متبلور شده است. وضعیتی رخ داده و بصیرت و پند در زمان بیرون رفتن از مدینه ضروری می‌نماید؛ در این ابیات پیامبر(ص) به عنوان یک مصلح بلامنازع جامعه‌مظهر می‌کند و برای حفظ خانواده‌ها و آرامش دلاوران جنگی، نقش پیر را ایفا و باعث آرامش یاران می‌شود.

پدرسالار، تولیدکننده

این کهن‌الگو استعداد خلق کردن یا آغاز کردن را با قابلیت سرپرستی دیگران ترکیب می‌کند، چه در رابطه با خانوادهٔ بیولوژیکی باشد چه گروهی از افراد خلاق.

از اینجا چون سوی یثرب شتابم به هر حال از شما امداد یابم

هر آن چیزی که نپسندید بر خویش ز من هم دور دارید از کم و بیش(همان: ۸۴۱)

پیامبر به عنوان کهن‌الگوی پدرسالار حمایت‌گر، سرپرست و نگران که مسئولیت مراقبت یارانش را به عهده دارد؛ در برابر اضطراب اصحابش در زمان رفتن به یثرب‌آنها را مراقبت و هدایت می‌کند.

کودک زخمی

کودک زخمی می‌تواند چنان محتاج باشد که تقریباً غیرممکن شود که کودکِ جادویی ویژگی‌هایش را متجلی سازد. در عین حال، از آن‌جا که هریک از وجوه کودک با شدت و درجات مختلف در دوران هر کسی موجود است، الگوهای مشابه اغلب اوقات هم‌پوشانی می‌کنند و مشکل می‌شود وجهی را تشخیص داد که بیش از همه با آن ارتباط برقرار می‌کنید.

نبی را گفته بود از روی کینه که ای کین توام نقد خزینه

روم در مکه سازم اسب فربه جراحت‌های جسمم هم شود به

به عزم کشتنت سازم عنان گرم نه رحم آن دم عیان گردد نه آزرَم

(همان: ۹۹۶)

در مکالمهٔ آبی‌ابن‌خلف با پیامبر(ص) تمایل او به حیرانی، سرزنش و تهدید دیده می‌شود. این صفات از ویژگی‌های بارز کهن‌الگوی کودک زخمی است.

زن

مردم روزگار باستان، زن‌ها را به شکل حوا، هلن، سوفیا یا مریم مقدس می‌دیدند که به ترتیب، برابر با وسوسه‌انگیزی، احساساتی بودن، اندیش‌مندی یا پرهیزگاری هستند. «هنگامی که زن تصویری از آنیما می‌شود، بازتاب والاترین و پاک‌ترین خصوصیات مرد است.» (سرلو، ۱۳۸۸: ۴۵۳).

برآمد نعرهٔ گردان ز اطراف زنان مشرکه گشتند دقّاف

به دفاها یار می‌شد نغمهٔ غدر به یاد کشتگان غزوهٔ بدر... (همان: ۹۷۹)

یکی از ویژگی‌های کهن‌الگویی زنان نوازندگی و مویه‌گری در سوگواری هاست. زنان در جنگ بدر و در پی شکست مشرکان با شیوه‌ای آیینی به یاد کشتگان غزوهٔ بدر دایره و دف می‌زنند.

صفیه خواهرش از دور بنمود زبیر استاده پیغمبر بفرمود

که منع مادرت کن تا نیاید کز افغانش غم ما می‌فزاید...

(همان: ۱۰۰۳)

کهن‌الگوی زن در شخصیت صفیه دختر حمزه(ع) عموی پیامبر، نمود دارد. کهن‌الگوی زن، نشانی از احساساتی بودن را در خود جای داده و نگاه اندیشمندانهٔ صفیه در درک مفهوم شهید، یکی از نقطه‌های والا در کهن‌الگوی زن است که در این ابیات دیده می‌شود.

زن اغواگر

زن اغواگر معرف مهارت‌های بسیار پالایش یافته در سوء استفاده از مردان بدون بهره‌گیری از عواطف شخصی است.

زنان هاشمی پیشش نشستند دلش زین سان به کار زجر بستند...

به مردان بنی‌هاشم ازین پیش زدی طعن و جگرها ساختی ریش

(همان: ۹۲۱)

یکی از وجوه کهن‌الگویی زنان اغواگر استفاده از ابزار جنسی و نمایشی است تا به واسطهٔ آن به خواسته‌های خود برسند. زمانی که زنان بنی‌هاشم، عباس را در جنگ با ابولهب ترغیب می‌کنند وجهی از این کهن‌الگو جلوه‌گر شده و نمایشی می‌شود در سوء استفاده از مردان.

زن طلحه سواده گفت یاران سواد دیده شد ابر بهاران

محمد چار فرزند مرا کشت شکست از سنگ هجرم مهرهٔ پشت

بریدم موی خود این است حالم از این محنت به مویه چون ننالم... (همان: ۱۰۰۹-۱۰۱۰)

سواده، در میان اشخاص کهن‌الگویی، نقش زن اغواگر را بازی می‌کند. پیامبر(ص) فرزندان او را در جنگ کشته او نیز با سیاستی زنانه در پی آن است که با فریب، همراهی مردانی را برای انتقام از پیامبر(ص) به دست بیاورد.

فرشته (انتقام، منجی، مسیح)

تقریباً هر سنت فرهنگی و مذهبی روی زمین، توصیفی از فرشتگان به دست داده و باوری را مطرح کرده، از جمله باور به فرشتهٔ نگهبان شخصی در سنن یهود، مسیحی و اسلامی.

امین وحی‌اش از مجمع جدا ساخت رساندش پیش امام انبیا ساخت

شدندش بنده کردند اقتدا نیز ملایک با جمیع انبیا نیز...

ملایک حامل طاعات گشتند مطیع آن همایون ذات گشتند

(همان: ۸۱۹)

کهن‌الگوی فرشته، تجلی‌ساز نور و به عنوان فرشتهٔ هدایت‌گر، پیام‌آور الوهیت، دوستی و... شناخته می‌شود. در این ابیات که در وصف معراج پیامبر(ص) سروده شده، شاعر با استفاده از کهن‌الگوی شخصیت فرشتگان، برای نشان دادن بزرگی و عظمت پیامبر(ص) استفاده کرده است. زیرا فرشتگان سمبلی از خیرخواهی و عدالت جویی هستند و اینگونه به شرح معراج پیامبر(ص) و در بیان عظمت آن روز شعر سروده شده است. کهن‌الگوی شخصیت فرشته در این بیت، فرشتهٔ مقرب، جبرئیل است که پیام‌آور الوهیت است و به نیابت و دوستداری حضرت علی(ع) بر پیامبر(ص) نازل می‌شود.

راهنما

راهنما نقش معلم را در سطحی معنوی ایفا می‌کند، به نحوی که نه تنها آراء و آیین‌های مذاهب رسمی را تعلیم می‌دهد، بلکه اصل اساسی دیدن الوهیت در تمام وجوه زندگی را نیز به شاگردان می‌آموزد.

دلا خود را ز غیر حق جدا ساز شود کار خداجویان خداساز

نباید خورد غم گر همدمی نیست خدا گر یار کس باشد غمی نیست
 به غیر از ترس یزدانی مخوان درس بترس از ناوک آه خدا ترس
 ز بدگویان اگر که جای بیم است چه می ترسی خدای ما کریم است

(همان: ۸۱۲)

کهن‌الگوی راهنما گاه آراء و آیین‌های مذاهب رسمی را تعلیم و اصل اساسی ایمان را بسط می‌دهد و گاهی در نقش هدایت‌گر انسان برای رسیدن به حقیقت است. در ابیات فوق، پیامبر (ص) به عنوان کهن‌الگوی راهنما، سوده بنت‌ربعه را برای رسیدن به گنج حقیقت و دعوت به اسلام و خداوند یکتا راهنمایی می‌کند.

نبی فرمود با توفیق سبحان که منشی بهر گمراهان نجران...
 پرستیدن خدایی راست لایق که هستی یافتند از وی خلاق

(همان: ۱۲۰۵)

نقش کهن‌الگوی راهنما همچنان در شخصیت پیامبر(ص) دیده می‌شود. این ابیات در بیان راهنمایی پیامبر در زمانی که گروه نجرانیان را برای پرستش خدای یگانه راهنمایی می‌کند، آورده شده است.

قصه‌گو

کهن‌الگوی قصه‌گو/ خنیاگر، راوی خرد یا حمقات، اشتباهات و موفقیت‌ها، حقایق و افسانه‌ها و حکایت‌های عاشقانه و امور ناممکن در سطحی است که اغلب اوقات اغراق‌آمیز و فراتر از زندگی عادی به نظر می‌رسد.

اگر دینت بود دین محمد ز نعتش سرفرازی کن مخلص...

ز میلادش رقم کن نظم دلکش در آن میدان عنان راه ده به ابر... (همان: ۶۶۶)

دعوت استرآبادی، از جانب قاصد غیبی، برای تنظیم دیوان و عشق خواندن نبی اکرم، نشان می‌دهد که نقش قصه‌گو تا چه حد در فرهنگ‌سازی موثر است. کهن‌الگوی قصه‌گو و راوی خرد در این ابیات، خود استرآبادی است، زمانی که قاصد الهی او را از گفتن مدح شاهان منع می‌کند و به سمت روایت داستان آل‌محمد(ص) ترقیب می‌کند، کهن‌الگوی جوینده در شخصیت روایی شاعر شکل می‌گیرد.

حکایت‌گو حکایت کرده ز انسان که چون آن بهترین نوع انسان

ز طائف شد به سوی مکه عازم سعادت همراه و دولت ملازم

(همان: ۸۰۷)

کهن‌الگوی قصه‌گو/خنیگر، راوی افسانه‌ها، حکایات عاشقانه و امور واقعی و گاهی ناممکن است. در اینجا روایتی واقعی از احوال پیامبر(ص) و یارانشان را بیان می‌کند.

عاشق

عاشق می‌خواهد وجود خود را با دیگری درهم آمیزد، ولی چنین عملی خطر گم کردن هویت او را به همراه دارد. «چالش روزمرهٔ عاشق حفظ تعهد از سویی و هویت خود از سوی دیگر است.» (پیرسون و کی مارف ۱۳۹۱: ۷۶).

به عبدالله گفت ای سرو نوخیز به خلوت نوبتی با من درآمیز...

چنین فرمود آن پاکیزه گوهر که نبود لایق زن غیر شوهر

چنین فعل حرام از من نیاید بهشت آلودهٔ شیطان نشاید

(همان: ۶۸۴)

کهن‌الگوی شخصیت عاشق، در وصف عبدالله به وضوح دیده می‌شود. کهن‌الگوی عاشق معمولاً گیرایی و جاذبه‌ای قابل توجه دارند که از شخصیت منحصر به فرد آنها سرچشمه گرفته و

دیگران را جلب می‌کند. در این ابیات عبدالله هویت واقعی خود را با عدم قبول درخواست زن برای ارتباط نامشروع به دست می‌آورد.

از آن پس خاست از داوود آواز ثنای لایزالی کرد آغاز
که گویم حمد آن لاریب خَلَّاق که کرد از انبیای مرسلم طاق...

(همان: ۸۲۰)

در این ابیات، شاعر ماجرای معراج محمد(ص) و رویارویی با داود نبی(ص) را بیان می‌کند. کهن‌الگوی عاشق، در شخصیت داود نبی(ص) است، زمانی که از حرارت عشقی که خداوند از دریای رحمتش به او عنایت می‌کند هر مومی را می‌تواند فولاد کند. بیانِ حسی از علاقهٔ مهارنشده و اغراق‌آمیز و تجلیل از قدرت الهی است؛ که نشانی از کهن‌الگوی شخصیت عاشق است.

شفاگر

کهن‌الگوی شفاگر به صورت شور و عشق خدمت به دیگران به شکل شفای جسم، ذهن و روح متجلی می‌شود.

به بستر یافتم در زندگی فوت قضا برخواند التوم اخ‌الموت...
ز حرمت داشتن پیرایه‌ام داد شب قدر از سواد سایه‌ام داد...
درآمد دولت از در گفت برخیز به راه کام رخس عزم کن تیز
گشایش یافت بر رویت در بخت به فیروزی شدت یار اختر بخت...

(همان: ۶۶۰-۶۶۱)

اخ‌الموت، فرشتهٔ مقرب، در نقش شفاگر در خواب شاعر نمود پیدا می‌کند و با شور و عشق، جسم، ذهن و روح او را که به واسطهٔ تاثیر طلسم، بیمار شده است، شفا می‌دهد، در دولت و

خوشبختی به روی شاعر باز می‌شود و بعد از دیدن این خواب اسباب سرودن این منظومه برای شاعر فراهم می‌شود و با دیدن این خواب، راه بر او هویدا می‌شود.

کلیم‌الله به سر وقتش گذر کرد بر احوال پریشانش نظر کرد

سوالش کرد کای دیو تبه‌کار چرا ریزی سرشک از چشم خونبار

جوابش داد زنگی کای خداوند دلم با این سیاهی نیست خرسند...

نبی جست آرزویش از الهی چو شب در صبح رفت از وی سیاهی

(همان: ۶۶۲)

در داستان حکایت زنگی، حضرت موسی (ع) سیاهی زنگی را شفا می‌دهد. شخصیت حضرت موسی (ع) به‌عنوان کهن‌الگوی شفاگر که با ویژگی اصلی قدرت درونی، رنج‌های جسمی و روحی زنگی را شفا می‌دهد در این ابیات آورده شده است.

جنگ‌جو

جنگجو منضبط، مسئولیت‌پذیر و ریاضت‌کش است و تمایل به مبارزه برای دفاع از مذهب و دستوره‌های خداوند دارد.

نبی با حمزه سی کس کرد همراه که با شمشیر برکن بیخ بدخواه

لوای ابیضی ترتیب فرمود به تحقیق این لوای اولین بود

(همان: ۹۰۷)

حمزه در این ابیات کهن‌الگوی شخصیت جنگ‌جو است که به همراه یارانش برای بسطِ قانون، آمادهٔ جنگ و پیکار با کفار می‌شوند.

به سعدابن ابی‌وقاص فرمود که رایت‌دار لشگر بایدت بود
 خلافت داد با بخت همایون به سایب ابن‌عثمان ابن‌مطعون

(همان: ۹۰۸)

کهن‌الگوی جنگ‌جو، در سعد ابن ابی‌وقاص و عثمان ابن‌مطعون بروز می‌یابد که در راه پیروزی اسلام تلاش کردند.

رهایی‌بخش

این کهن‌الگو می‌تواند متحد ارزشمندی برای آزادسازی ما از کهنه‌ها، باورها و نگرش‌های منسوخ و به درد نخوری که درست مثل ارتش‌های اشغال‌گر استعماری از درون خالی شده‌اند، باشد. حضرت مسیح(ع)، حضرت محمد(ص) و بودا به این مفهوم رهایی‌بخش بودند.

که دایم از یهودان مدینه ز روی خوش دلی‌ها نه ز کینه

شود پیغمبری ظاهر به بطحا به نور موسی و برگ مسیحا

نیابد ملتش تا حشر تغییر محمد باشدش نام جهانگیر

به هم گفتند این تحقیق آنست که بس فرخ رخ و روشن بیانست

(همان: ۸۱۳)

عوف ابن‌حارث و گروهی از یهودیان راه رهایی از باورها و نگرش‌های منسوخ را، آیین محمد(ص) می‌دانند و آن را نوید بخش رهایی از تمام سایه‌های حاکم بر جامعه می‌دانند.

شهید

کهن‌الگوی شهید در دو حوزه مشهور است. به‌عنوان شخصیت کلاسیک سیاسی یا مذهبی و در دنیای خودیاری‌گری روان‌شناسی معاصر.

عزیزان را به خواری کشته دیدند ز کشته دشت را پر گشته دیدند ...

به هر جانب شهیدی گشته ساکن گرفته ره سوی فردوس لیکن

(همان: ۱۰۰۲)

شهید و رنج بردن در راه نجات دیگران، کهن‌الگوی شخصیت در این ابیات است. ماجرای مردمی که از شنیدن شایعهٔ مرگ پیامبر(ص)، اندوهگین شده و به خیابان می‌روند و به دست دشمنان کشته می‌شوند در این ابیات دیده می‌شود. این نوع از مرگ شکل معنوی به‌خود می‌گیرد.

همان جا با لباس غرقه در خون به فرمان نبی شد حمزه مدفون

شهیدان را به خلعت‌های خونین به زیر خاک گشت از خاک بالین

ز خون برتر شود پیراهنش سخت که محروم نباید کرد ازین بخت

(همان: ۱۰۰۳)

در این ابیات کهن‌الگوی شهید در شخصیت حمزه (ع) و مراسم تدفینش به‌خوبی دیده می‌شود. مرگ حمزه، عموی پیامبر(ص) که در راه استواری دین، به شهادت می‌رسد نشانی از کهن‌الگوی شهید است. فردی که در راه خدمت دچار رنج می‌شود و مقدس‌ترین اعمال یعنی، شهادت نصیبش می‌شود.

رخ از جنگ اعادی بر نیچیم شهادت خوش بود زین سر نیچیم

نباید بود از قسمت به ناله ز حق ما را شهادت شد حواله

(همان: ۱۰۱۲)

در این ابیات کهن‌الگوی شهید با هدف مقدس رسیدن به راه جاوید، در شخصیت عاصم یار پیامبر(ص) دیده می‌شود.

شوالیه

شوالیه در خدمت شاه یا ارباب خویش است، بدین سبب این کهن‌الگو هم رنگ و بوی معنوی دارد و هم حاکی از خدمت و سرسپردگی است. وفاداری و فداکاری از ویژگی‌های بزرگ شوالیه است که توانایی طبیعی برای انجام دادن موفقیت‌آمیز کارها را نیز باید به آن افزود.

علی آن شیر جولانگاه مردی نمودی جان فدا در راه مردی

به‌جان بوده مُدِ دین به‌تن هم نبی را حامی جان و بدن هم...

(همان: ۸۴۸)

فداکاری حضرت علی(ع) برای خدمت به پیامبر(ص)، همان کهن‌الگوی شخصیتِ شوالیه است که با رنگ و بوی معنوی، در حالِ خدمت و سرسپردگی است. وفاداری و فداکاری از ویژگی‌های بزرگ شوالیه است که در رفتار حضرت علی(ع) برای کشته شدن، به‌جای پیامبر(ص) به وضوح دیده می‌شود.

نبی گفتش که ای دیرینه غمخوار گمان بردم که با یاران شدی یار

علی گفتا که دانم مقتدایت سرم یابد بلندی زیر پایت

به جز تو قبله ای دیگر نیابم معاذالله که از تو روی تابم

(همان: ۹۸۷)

کهن‌الگوی شواله در شخصیت حضرت علی(ع)، میزان ارادتش به پیامبر(ص) و زمانی که ایشان با نهایت ادب و نزاکت از پیشوایش اطاعت می‌کند، دیده می‌شود.

جوینده

این کهن‌الگوی کسی است که در مسیر جست‌وجویی گام برمی‌دارد که شاید با کنجکاوی دنیوی شروع شده باشد اما جست‌وجوی خدا یا روشن‌بینی را در جوهر خویش دارد. برخلاف عارف، که تنها کانون تمرکزش خداست، جوینده در جست‌وجوی خرد و حقیقت است، هر کجا که یافت شود.

به خلوتگاه خود بودم صباحی خیال‌انگیز در هر اصطلاحی

به‌صحن گلشن اندیشه در سیر به‌خود در گفتگو بی‌منت غیر...

ز درگاهم درآمد قاصدی چست چو سوسن از زمین منزلم رست

زبان بگشاد کای گنج معانی چرا چون گنج در کنجی نهانی...

شده روح الهی جوای اسرار بهشت عدن را کاری است ناچار

که یعنی گوهر دریای اقبال تو را جوید قدم نه فارغ‌البال

مه خورشید فیض اوج اقبال خداوند خداوندان به تحقیق

(همان: ۶۶۳)

کهن‌الگوی جوینده خود شاعر است. کسی که مسیر جست‌وجویش با کنجکاوی دنیوی شروع شده و به جستجوی خدا یا روشن‌بینی ختم می‌شود، روشن‌بینی که از عالم غیب فرود می‌آید و مسیر فکریش را روشن می‌کند.

نتیجه‌گیری

کهن‌الگوها در بیان داستان‌های سعادنامه دست به دست هم داده تا تصویری زیبا و کاربردی از مفاهیم اساسی را در آن به جا بگذارند. مولفه‌های کهن‌الگویی یونگ در این دیوان فراوان یافت شده و صورمثالی به‌عنوان کاربردی‌ترین مفاهیم در خانوادهٔ کهن‌الگویی، همواره به سروده‌ها جانی شیرین بخشیده است. اشخاص کهن‌الگویی در سعادنامه به این شرح است: قهرمان شخصیتی مذهبی است و در شخصیت پیامبر(ص) و شاه‌اسماعیل ابن‌حیدر متبلور شده؛ پیر و پدرسالار نیز در شخصیت پیامبر(ص) آمده؛ کودک زخمی در شخصیت ابن‌خلف حین مکالمه با پیامبر(ص) و در شخصیت عمر عبود، هنگام رجزخوانی عمر عبود با حضرت علی(ع) آمده است. زن در شخصیت حلیمه دایهٔ پیامبر، حضرت خدیجه(س)، عاتکه عمهٔ پیامبر(ص)، زنان جنگ بدر و دختر حضرت حمزه(ع) و زن اغواگر در شخصیت عاتکه، زنان بنی‌هاشم در جنگ با بولهب، زنان مشرک در جنگ علیه پیامبر(ص)، سواده، زن در قصهٔ خاطر ابن‌ابی‌ملته زن جاهل در رفتار با پیامبر(ص) دیده می‌شود. فرشته با نمود در شخصیت عزرائیل، جبرئیل، ملائیک، فرشته، میکائیل با بسامد بالا آمده و راهنما در شخصیت پیامبر(ص) دیده می‌شود. قصه‌گو نیز در شخصیت راوی است. عبدالله، داوود نبی(ع) و پیامبر(ص) در انگاره عاشق دیده می‌شوند. الموت، موسی(ع) و پیامبر(ص) در شخصیت شفاگر و جنگجو در شخصیت حمزه(ع)، سعد ابن‌ابی‌وقاص، عثمان ابن‌مطعون، عبدالله بن جحش، ابودجانة و حضرت علی(ع) آمده است. رهایی‌بخش در شخصیت عوف ابن‌حارث و شهید نیز در شخصیت پیامبر(ص)، حمزه(ع) و عاصم دیده می‌شود. شوالیه در شخصیت حضرت علی(ع)، صحابهٔ پیامبر(ص) و جوینده در شخصیت خود شاعر متبلور می‌شود.

